

ما اهالی «ایران»...

نمی‌دانیم باید در بیست و شش سالگی روزنامه ایران، امیدوارانه جشن بگیریم



جواد لاری سردبیر

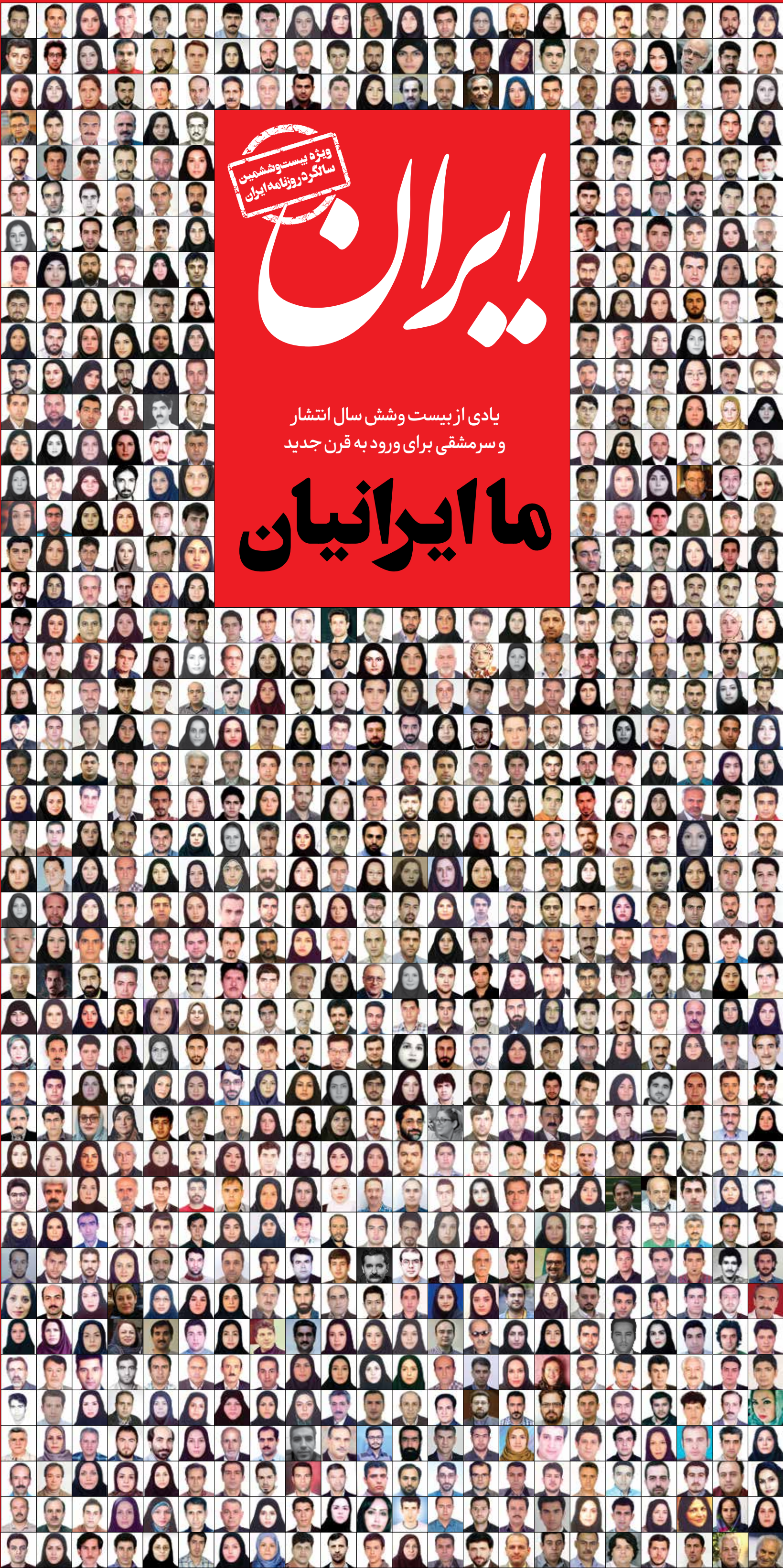
در آغاز سال بیست و هفتمت نوپدانه شروع سال جدید را برمی‌گیریم و از آینده بگویم؛ برای همه «ایرانیان»، عمارت «ایران» نماد یک مکتب است. اول بهمن ۱۳۷۳ روزنامه‌ای تازه؛ به میان مردم آمد تا «صدایی برای نسل نو» باشد. از آن روز تا امروز «ایران» تلاش کرد «زبان مردم» و «نگاه دولت» باشد و پلی میان هر دو. نام بلند «ایران» را بر پیشانی‌اش حک کردند و این روزنامه به گواه همه در اصلاح سیاست و فرهنگ و اجتماع قدم‌های تأثیرگذاری برداشت. می‌گویند تاریخ ایران تاریخ پرتلاطم و آمیختگی است، بی‌شک در این مسیر اعصار و زمان‌هایی بوده‌اند که نقش تعیین‌کننده در سرنوشت فرهنگ و اجتماع ایران ایفا کرده‌اند، اینکه چقدر در این مسیر پرفراز و نشیب به آرمان «ایران» وفادار مانده‌ایم، کاغذهای زرد شده آرشیو سازمان اسناد ملی حکم خواهند کرد، چرا که تاریخ همیشه قاضی خوبی بوده است. یک سال دیگر گذشت و «ایران» ما بزرگتر شد. مثل آدمیزاد؛ روزنامه هم، چنین است، روزنامه هم زنده است، گاهی مانند جوانی بر شر و شور است و زمانی جوان پیری سالخورده، محافظه‌کار و گاهی خسته از زمانه و ایامی امیدوار با نگاهی پر امید به سوی آینده. گاهی به قول استاد شریف یونس شرخواه «باز ایستادیم» و گاهی چون همه آدمیان زندگی کردیم و پیش رفتیم. ابیدمی بیماری کرونا سال سختی را برای همه به دنبال داشت، رنج‌ها، غم‌ها و مصیبت‌های زیادی رقم خورد؛ به‌ناچار و در راستای همدردی با مصیبت‌دیدگان و عبرت‌آموزی دیگران، اخبار تلخ مرگ و میرها و مصائب جانکاه بازماندگان را پوشش دادیم. هرچند تلاش کردیم پیام‌آور امید و سلامتی باشیم و وفادار به شعار فاصله‌گذاری اجتماعی که با تولید گزارش‌های تحلیلی آنلاین و محصولات تصویری که متضمن ضرورت دوران فاصله‌گذاری هاست، به هئیت روزنامه کاغذی درآمدیم. آنلاین بودیم و دورکاری را برای حفظ سلامتی همکاران تجربه کردیم. باهمه خوبی‌ها و بدی‌هایش و شاید الزام امروز باشد – هرچند معتمد روزنامه‌نگاری در تحریریه و اتاق خبر جان تازه‌ای می‌گیرد و سخن در این‌باره بسیار است – اما تلاش کردیم به چرخه اطلاع‌رسانی و انتشار روزنامه آسینوی وارد نشود؛ با این حال جسم تحیف روزنامه در این سال بی‌نصیب از مشکلات ریز و درشت نماند. من و شاید خیلی‌ها هنوز معتقدیم عصر روزنامه‌های کاغذی پایان نیافته است، روزنامه‌نگاری می‌میرد اما روزنامه و اثر او همچون نامش جاودانه خواهد بود. زمانی که به نوشتن این یادداشت فکر می‌کردم، خبری ناگوار ما مطبوعاتی‌ها را داغدار کرد؛ خاتم شیده لایمی یکی از روزنامه‌نگاران صاحب سبک که از این دنیا رخت بربست. از او ناسی نیک و البته انبوهی «نوشته» و روشی خاص در روزنامه‌نگاری بر جای مانده است. جسم او در این دنیا نیست اما نام او(روزنامه‌نگار) حتماً جاودانه خواهد شد و رسم او(روزنامه‌نگاری) بی‌گمان ادامه خواهد یافت.

به‌قول حافظ: اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد

گناه بخت پریشان و دست‌کوته ماست

اقبال به روزنامه سالیانی بود که کم شده بود و امسال به مدد ویروس متحوس کرونا هم کمتر. اما همه مشکلات را به‌گردن دیگران نمی‌اندازیم؛ خود ما هم نیز مقصریم من سردبیر و اعضای دیگر تحریریه، اما سهم من بیشتر و سهم همکاران به اندازه‌ای دیگر. ما تلاش کردیم روزنامه‌نگاری‌ای با کیفیت داشته باشیم. درست، اما فکر می‌کنم مخاطب ما ذائقه دیگری داشت. یکی از روزنامه‌نگاران باتجربه به من می‌گفت امروز باید بیشترین هزینه را جایی بپردازیم که ببینیم مخاطب از ما چه می‌خواهد. نمی‌توان مثل گذشته فقط تولیدکننده باشیم و او مصرف‌کننده. چیزی که فکر می‌کنم از آن غفلت کردیم. مخاطب امروز شتابان است، او منتظر خبر فوری نیست چرا که آن را در گوشی‌اش می‌یابد، او امروز اطلاعات و داده، تحلیل و تحقیق می‌خواهد. در دنیای اطلاعات گمراه‌کننده و اخبار جعلی (که این روزها همه از آن سخن می‌گویند) و ناآگاهی‌ها، یک مرجعیت می‌خواهد همراه با اعتماد و صداقت. امروز روز جشن ماست اما بپذیریم ما روزنامه‌نگاران باید تلاش بیشتری کنیم و البته دولت و حاکمیت باید طاقت بیشتری داشته باشند. بگذریم گفتا ز بخت بد اگر، ناگه رقیب آید ز در گفتم که با فسونگری، اوار سرا و می‌کنم

ادامه در صفحه ۶



«ایران» بخوان

و «ایران» ببین



مهدی شفیعی مدیرعامل

یک: سال پیش در همین روزها در کنار خانواده بزرگ «ایران»، پایان ربع قرن انتشار روزنامه را جشن گرفتیم. آن روز نمی‌دانستیم که نخستین سال

از قرن دوم «ایران»، مقارن و متأثر از هجوم ویروسی به‌نام کرونا خواهد شد. ویروس‌کی در زمانی کوتاه، زیست ما را دگرگون کرد و ما را با صحنه‌ها، تصمیم‌ها و رویدادهایی روبه‌رو کرد که شاید اگر فرصت بازخوانی آنها را داشته باشیم؛ تصویری عینی از کابوسی دردناک است. هر چند با همه دشواری‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌ها نمی‌توان دستاوردهای مثبت ایام محدودیت‌های به‌ناگزیر این ایام را نادیده گرفت. این ویروس با همه ویرانی‌ها و محدودیت‌هایی که به بار آورده بود، برخی مشاغل را به سمت تغییرات ضروری و بسا به‌تعویق افتاده هدایت کرد. حتماً یکی از این مشاغل هم رسانه است و البته روزنامه‌نگاری. **دو:** روزنامه ایران در یک سال کاری خود روزگار متفاوت و در عین حال امیدوارکننده‌ای را پشت سر گذاشت. سال گذشته پس از یک ربع قرن فعالیت چاپی و کاغذی، مؤسسه ایران هم‌زمان با تقویت بخش آنلاین خود وارد حوزه تصویری و ویدئوزنرال شد که خوشبختانه قدم‌های خوبی در زمینه تولیدات و ارائه محصولات کیفی برداشت. از یکسال پیش تا به امروز همه همکارانم در ایران همانند تمام دیگر هموطنان درگیر مقابله با ابیدمی کرونا بوده‌اند. همه تلاش ما در عین کمک به حفظ سلامت همکاران، آموزش، اطلاع‌رسانی واقع‌بینانه، بموقع و جامع به مردم و بیان هشدارهای لازم برای جلوگیری از شیوع این بیماری بود که بازتاب آن در تیرتها، عکس‌ها، فیلم‌ها و گزارش‌های میدانی همکاران قابل مطالعه و دفاع است. شعار جهانی مقابله با ابیدمی کرونا، تاکید بر رعایت فاصله اجتماعی بود. این شعار را اهالی روزنامه ایران با تولید خبرهای تحلیلی و رویکردهای تصویری که متضمن ضرورت فاصله‌گذاری هاست، به نمایش گذاشت و به ناچار و در راستای همدردی با مصیبت‌دیدگان و عبرت‌آموزی دیگران، اخبار تلخ مرگ و میرها و مصایب جانکاه بازماندگان را پوشش دادیم. با این همه اما در همه حال سعی کردیم پیام‌آور امید و سلامتی باشیم. علاوه بر این از جمله تنها روزنامه‌هایی بودیم که توانستیم با پیاده کردن برنامه دورکاری و حضور داخلی همکاران بدون آن‌که به چرخه اطلاع‌رسانی و انتشار روزنامه آسینوی وارد شود؛ از سلامت همکاران حفاظت کنیم. هر چند که در این مسیر یکی از همکاران شریف خود در امور اداری را از دست دادیم که یادش گرامی باد.

سه: اکنون «ایران» ما در مؤسسه بزرگ مطبوعاتی و فرهنگی ایران، جوان برومندی شده است که در صدد است با نگاه به گذشته و تجارب یک سال گذشته خویش، راهی تازه در آستانه قرن نو و ایران ۱۴۰۰ بگشاید. شکی نیست «ایران» ما نمونه کوچکی از ایران بزرگ که حافظ چند صدایی است؛ قطره‌ای از دریای خروشان ایران که محل تلاقی روده‌های متعدد است و این روده‌ها از سرچشمه فضیلت و معرفت می‌خروشدند و در عمق آگاهی و آزادی می‌جوشند. ایران ما تلاش خواهد کرد در این مسیر تریبونی صادق و رابطی خدم برای دولت و ملت باشد و با اتکال به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و اخلاق رسانه‌ای بکوشد صدای همه هموطنان فارغ از دین و مذهب و نژاد و زبان و قومیت و سیاست باشد و خود را متعهد به حفظ ارزش‌های مذهبی و الگوهای ملی بداند.

شکی نیست هر روزنامه در طیفی که حرکت می‌کند به سه مؤلفه «تولید محتوا»، «بسته‌بندی و ارائه آن» و «مخاطب» توجه و تمرکز نماید. ما در ایران جدید باید به صورت همگرا و هم‌افزا بر تقویت این سه عنصر بکوشیم و حرکت کنیم. تولیدات چند رسانه‌ای ایران در یکسال گذشته قابل توجه بوده است و این به معنای بهره‌مندی از ظرفیت‌های تکنولوژی جدید ایجاد شده در سال‌های اخیر برای استفاده از آن و گسترش فعالیت‌ها و مأموریت‌های اصلی مؤسسه یعنی فعالیت رسانه‌ای در عصر جدید است. اکنون ما شهروندان جهانی هستیم که در آن «ارتباط آنلاین و هم‌زمان تصویری» بر پایه «وب هوشمند» حرف اول را می‌زند. رویکردی که می‌توانیم از آن به‌عنوان کاربرد گفتار و تحلیل‌های دیداری و تصویری نام ببریم. شاید از این رویکرد تصور جانشین نوشتار شدن برداشت شود اما باید بدانیم شاید کاغذ و نوشتار و متن به مرور کاربرد کمتری پیدا کنند اما هرگز از بین نمی‌روند. بنابراین تلاش خواهیم کرد که در فضای دیداری پرتلاش تر ظاهر شویم و شعار ایران را در سال ۱۴۰۰ به «ایران بخوان» و «ایران ببین» ارتقا دهیم. من و همکارانم استفاده از این ظرفیت‌های جدید را فراتر از یک مسأله معمول در هر نهادی معنی می‌کنیم. آن را در چارچوب مفهوم کارآمدی قرار می‌دهیم که توجه و عمل به آن از ضروریات این روزهای ماست. ایران ما چه در نوشتار و چه در تصویر باید صداقت را محور کار خود بداند و با مصون دانستن خویش از تندروی‌ها و تندگویی‌ها و با افتخار به ربع قرن استمرا و نگاهی معطوف به آینده به مسیر خود ادامه دهد.